

چالش‌های فرا روی صادرات و الزامات حاکمیتی



فرزاد پیلتن - رئیس دبیرخانه شورای عالی صادرات: در آستانه سیمین سالروز ملی صادرات، ایران از یک سو در مواجهه با شدیدترین تحریم‌های اقتصادی، محاصره و پیامدهای دو جنگ تحمیلی ۱۲روزه و

۴۰روزه و خطر وقوع جنگی جدید قرار دارد و از سوی دیگر با تحولات بنیادین در تجارت بین‌الملل روبه‌روست. بر این اساس، تجارت خارجی کشور از یک طرف با شدیدترین موانع و مشکلات بین‌المللی و داخلی، به‌ویژه در حوزه لجستیک و ارز، روبه‌روست و از طرف دیگر، در آستانه یک گذار ساختاری از «تجارت سنتی» به «تجارت نوین و هوشمند» و الزامات ناشی از آن قرار گرفته است. سازمان توسعه تجارت ایران به‌عنوان دبیرخانه شورای عالی صادرات، بر این باور است که به موازات تلاش برای کاستن از مسائل و مشکلات جاری فرا روی تجارت خارجی کشور، تاب‌آوری حوزه تجارت خارجی کشور و افزایش مستمر صادرات، تنها با تکیه بر حجم کالا محقق نمی‌شود؛ بلکه مستلزم تحولی بنیادین در زیرساخت‌های حاکمیتی و مدیریتی در این حوزه است. بازنگری در «ساختارها»، «رویکردها»، «رهبردهای توسعه صادرات»، «سیاست‌های تجاری» و بازطراحی جامع «حکمرانی تجارت خارجی» از ضرورت‌هاست.

این مأموریت از طریق محورهای زیر قابل تحقق است:

۱. **بازآرایی ساختاری و نهادی (در سطوح ملی و استانی)**
ما بر ضرورت بازنگری در ساختارهای موجود تأکید داریم. این بازآرایی، فراتر از تغییرات ظاهری، به معنای اصلاح ساختار نهادی در سطوح کلان و میانی حاکمیتی، یعنی ملی و استانی، است. در این راستا، شورای عالی صادرات به‌عنوان مرجع فرایشی سیاست‌گذار و مدیریت تجارت خارجی کشور و همچنین دستگاه‌های عضو، نیازمند تحول در ساختار و رویکردهای خود هستند.

در سطح استانی نیز «کارگروه‌های توسعه صادرات استان‌ها» به‌عنوان بازوهای اجرایی و حاکمیتی این شورا، باید از جایگاه هماهنگی و پیگیری اداری خارج شده و به کانون‌های اصلی برنامه‌ریزی استانی و حمایت از تولید صادراتمحور، راه‌اندازی واحدهای تولیدی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی، تقویت زیرساخت‌های صادراتی و تسهیل صادرات تبدیل شوند تا ظرفیت‌های بومی هر استان به شکلی هدفمند به زنجیره ارزش جهانی متصل گردد.

۲. مدیریت واحد، هماهنگ و هم‌افزا

برای رفع چالش‌ها و کاهش آسیب‌های ناشی از تعدد نهادهای دست‌اندرکار، مانند ناهماهنگی و پراکندگی تصمیم‌گیری، رویکرد ما مبتنی بر «مدیریت واحد و هم‌افزا» است.

ما سه به دنبال حذف نهادهای مختلف از ساختار حاکمیتی و مدیریت تجارت خارجی کشور، بلکه در پی ایجاد هماهنگی میان‌بخشی این نهادها هستیم تا از تضاد منافع و اصطکاک‌های اداری جلوگیری شود. بدین منظور، علاوه بر نیاز به تقویت جایگاه شورای عالی صادرات، ایجاد «شورای مشورتی هماهنگی و راهبری تجارت خارجی کشور» در دستور کار دبیرخانه قرار گرفته است. این شورا ماهیت مشورتی برای شورای عالی صادرات و هماهنگی و هم‌افزایی راهبردی در تصمیم‌سازی‌های مربوط به حکمرانی و تعیین راهبردها و سیاست‌های تجاری کشور میان نهادهای دولتی دست‌اندر کار تجارت خارجی دارد.

از دیگر کارکردهای شورای مشورتی، ایجاد سازوکار نهادی و مستمر میان این نهادها با بخش خصوصی و استفاده از نظرات کارشناسان و صاحب‌نظران مختلف در حوزه تجارت خارجی است.

۳. **توسعه و تقویت واسطه‌ها و پیشران‌های صادراتی**
توسعه و تقویت شتاب‌دهنده‌ها، واسطه‌های صادراتی مانند شرکت‌های مدیریت صادرات، کنسرسيوم‌ها و خوشه‌های صادرات‌محور به‌عنوان ابزارهای بازاریابی حرفه‌ای صادراتی و پایانه‌های صادراتی به‌عنوان مراکز نگهداری استاندارد، بسته‌بندی و سورایننگ محصولات صادراتی و همچنین حمایت از پیشران‌های صادراتی نیز از جمله الزامات جدیدی است که مورد توجه قرار دارد.

۴. تسهیل تجارت از طریق مقررات‌زدایی، نوسازی فرایندی

و **هوشمندسازی ابزاری**
بازنگری در چارچوب‌های «حقوقی و مقرراتی»، به‌عنوان پیش‌شرط اصلی تسهیل تجارت، نیز در اولویت برنامه‌های سازمان توسعه تجارت ایران و دبیرخانه شورا قرار دارد تا محیطی امن، شفاف و قابل پیش‌بینی برای فعالان اقتصادی فراهم گردد.

هم‌زمان، با توجه به اینکه تجارت نوین تجاری است که در آن «زمان» و «دقت» حرف اول را می‌زند، ما متعهد به پیگیری نوسازی «فرایندهای سنتی» و جایگزینی آن‌ها با «سیستم‌های هوشمند و دیجیتال» هستیم. هوشمندسازی ابزارهای تجاری و تسهیل مسیرهای کمرکی و اداری، نه یک انتخاب، بلکه یک «ضرورت برای رقابت‌پذیری» در بازارهای جهانی است.

۵. تحول رویکردی: از تجارت کالا به تجارت ارزش

هدف نهایی ما، عبور از مدل‌های سنتی صادرات کالاهای خام و کم‌ارزش و حرکت به سوی «تجارت نوین» است.

تمرکز راهبردی سازمان و شورا در افق‌های میان‌مدت و بلندمدت، بر صادرات «کالاهای با ارزش افزوده بالا»، توسعه «صادرات خدمات» و تقویت زیرساخت‌های «تولید صادرات‌محور» استوار است.

۶. حکمرانی تعامل‌گرا: مشارکت راهبردی بخش خصوصی و مراکز علمی و پژوهشی

حکمرانی مؤثر، حکمرانی افرادی نیست. جایگاه بخش خصوصی، بنگاه‌های تولیدی و تشکلهای صنفی و همچنین مراکز علمی و پژوهشی در این فرایند، از «اجرکننده صرف» به «شریک در طراحی و مشاورت» تغییر یافته است.

در همین راستا، دبیرخانه شورای عالی صادرات متعهد است که در تدوین احکام برنامه‌های بلندمدت توسعه کشور، اسناد راهبردی صادراتی و سیاست‌های تجاری و همچنین تدوین چارچوب حکمرانی جدید تجارت خارجی کشور، به‌ویژه با استفاده از ظرفیتی که شورای مشورتی هماهنگی و راهبری تجارت خارجی ایجاد خواهد کرد، بستری برای مشارکت فعال بخش خصوصی و همچنین مؤسسات پژوهشی تخصصی مانند مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی و مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران و سایر مراکز علمی و پژوهشی فراهم کند تا دانش بازار و تجربه میدانی بنگاه‌ها و آخرین دستاوردهای علمی و پژوهشی با سیاست‌های کلان دولتی درهم آمیخته شود.

ما در سازمان توسعه تجارت ایران و دبیرخانه شورای عالی صادرات، با تکیه بر این رویکرد تحولی، متعهد هستیم که از «تسهیل‌گری ساختاری» برای تبدیل کردن «ظرفیت‌های تولیدی ایران به قدرت اقتصادی پایدار در جهان پرآشوب و نظام متلاطم بین‌الملل» استفاده کنیم.

صادرات کشاورزی در پیچ سیاست‌های ارزی



صادرات کشاورزی؛ ظرفیت بزرگ با گره‌های بسیار

افت کیفیت، افزایش هزینه‌های نگهداری و کاهش قدرت رقابت صادرکننده شود. در مواردی نیز تأخیر ممکن است تحویل به‌موقع کالا را ناممکن کند و زیان اقتصادی به همراه داشته باشد.

از سوی دیگر، حضور در بازارهای خارجی به فروش مقطعی محدود نمی‌شود. خریداران برای ادامه همکاری به کیفیت ثابت، تحویل منظم و امکان برنامه‌ریزی نیاز دارند. صادرکننده‌ای که نتواند زمان رسیدن محموله را پیش‌بینی کند، در تنظیم قراردادهای بعدی و حفظ اعتماد مشتری با دشواری روبه‌رو خواهد شد. حتی اگر محصول ایرانی از نظر کیفیت یا قیمت مزیت داشته باشد، اختلال در زمان تحویل می‌تواند این مزیت را کاهش دهد.

در چنین وضعیتی، رقبای خارجی فرصت پیدا می‌کنند سهم بیشتری از بازار را به دست آورند. از دست رفتن مشتری نیز ممکن است تنها به یک محموله محدود نماند و بر روابط تجاری شکل گرفته در طول زمان اثر بگذارد.

بازگشت به بازار از دست‌رفته، گاهی به مذاکره‌های تازه، کاهش قیمت یا پذیرش تعهدات بیشتر نیاز دارد. بنابراین، حفظ ظرفیت تولید باید با توجه به ضرورت استمرار صادرات و اطمینان از رسیدن محصول به مقصد دنبال شود.

گره‌های سیاسی و ضرورت بازنگری

در کنار مشکلات زیرساختی و حمل‌ونقل، مقررات تجاری و ارزی نیز می‌توانند بر شرایط فعالیت صادرکنندگان اثر بگذارند. سیاست‌های اقتصادی زمانی کارآمدتر خواهند بود که تفاوت میان بخش‌های تولیدی و صادراتی را در نظر بگیرند. محصولات کشاورزی از نظر فسادپذیری، زمان عرضه، شیوه نگهداری و الزامات تحویل با بسیاری از کالاهای صنعتی تفاوت دارند؛ بنابراین، ارزیابی آثار مقررات بر این بخش باید با توجه به ویژگی‌های واقعی فعالیت آن انجام شود.

اجرای ضوابط یکسان برای بخش‌هایی که ساختار تولید و تجارت متفاوتی دارند، ممکن است فشارهای نامتناسبی بر برخی بنگاه‌ها وارد کند. مقررات بازگشت ارز، هزینه‌های مرتبط با صادرات و الزامات اداری، از جمله موضوعاتی هستند که می‌توانند بر تصمیم

کشاورزی ایران با برخورداری از تنوع اقلیمی، امکان تولید محصولات متنوع در فصل‌های مختلف و دسترسی به بازارهای منطقه‌ای، ظرفیت قابل‌توجهی برای توسعه صادرات دارد. تولید انواع میوه، سبزی و صیفی‌جات و امکان عرضه محصولات در زمان‌های متفاوت سال، فرصت‌هایی ایجاد کرده است که می‌تواند به افزایش درآمد صادراتی، ایجاد اشتغال و تقویت فعالیت‌های اقتصادی در مناطق تولیدکننده منجر شود. بااین‌حال، برخورداری از محصول مناسب و بازار باقوه، به‌تنهایی برای موفقیت در تجارت خارجی کافی نیست. میان تولید محصول و فروش پایدار آن در بازارهای هدف، مجموعه‌ای از مراحل حمل‌ونقل، نگهداری، بسته‌بندی، عبور از مرز و انجام تعهدات تجاری قرار دارد که هر گونه اختلال در آنها می‌تواند هزینه صادرات را افزایش دهد. در چنین شرایطی، مسئله اصلی فقط یافتن خریدار نیست؛ صادرکننده باید بتواند محصول را در زمان مناسب، با کیفیت مورد انتظار و هزینه‌ای قابل پیش‌بینی به مقصد برساند. از همین رو، رفع موانع اجرایی و ایجاد ثبات در مقررات، برای تبدیل ظرفیت‌های کشاورزی کشور به مزیت پایدار صادراتی اهمیت دارد.

مزیت تولید، بدون تضمین ماندگاری در بازار

تنوع اقلیمی ایران امکان تولید محصولات کشاورزی گوناگون را در مناطق مختلف کشور فراهم کرده است. این ویژگی می‌تواند زمینه عرضه مستمر محصولات و حضور در بازارهای متفاوت را ایجاد کند؛ به‌ویژه در محصولاتی که زمان برداشت، شرایط آب‌وهوایی و فصل تولید در تعیین قیمت و میزان عرضه آنها نقش مهمی دارد. بااین‌حال، ظرفیت تولید زمانی به فرصت اقتصادی تبدیل می‌شود که زیرساخت‌های لازم برای رساندن محصول به بازار نیز فراهم باشد.

بخش مهمی از محصولات کشاورزی، به‌خصوص میوه‌ها، سبزی‌ها و صیفی‌جات، به زمان و شرایط نگهداری حساس هستند. کیفیت محصول در زمان برداشت، نحوه بسته‌بندی، امکانات سردخانه‌ای و سرعت انتقال، بر ارزش نهایی محموله اثر می‌گذارند. تأخیر در حمل‌ونقل یا نامشخص بودن زمان عبور از مرز می‌تواند موجب

هدای حنایی جهرمی، عضو کمیسیون صادرات اتاق ایران، در گفت‌وگو با اتاق ایران آنلاین با بیان اینکه شرایط صادرات به معضلی جدی تبدیل شده است، گفت: بی‌ثباتی موجود، امکان برنامه‌ریزی را از صادرکنندگان گرفته و تصمیم‌گیری درباره ادامه فعالیت را دشوار کرده است.

وی با اشاره به تفاوت شرایط امروز با دوره‌های گذشته افزود: حتی در دوران هشت سال جنگ با عراق نیز فعالان اقتصادی می‌توانستند با در نظر گرفتن شرایط موجود، برای فعالیت خود برنامه‌ریزی کنند؛ اما اکنون صادرکنندگان گاهی برای یک هفته آینده نیز چشم‌انداز روشنی ندارند. به گفته حنایی جهرمی، صادرکنندگان محصولات کشاورزی و تره‌بار ناچارند پیش از تصمیم‌گیری درباره محموله‌های بعدی، منتظر بمانند تا وضعیت محموله‌های جاری و امکان عبور و رسیدن کانتینرها به مقصد مشخص شود. این وضعیت، جریان عادی تجارت را مختل می‌کند و فرصت برنامه‌ریزی برای تأمین، حمل و عرضه محصولات را از بین می‌برد.

وی خاطر نشان کرد: تداوم حضور در بازارهای هدف، یکی از اصول اساسی تجارت است و صادرکننده برای حفظ مشتریان خارجی باید بتواند در زمان مقرر محصول را تحویل دهد. هر گونه اختلال در این روند، موقعیت صادرکنندگان ایرانی را تضعیف می‌کند و می‌تواند زمینه را برای حضور رقبایی فراهم کند که امکان عرضه منظم‌تری دارند.

نسخه واحد برای اقتصادهای متفاوت

عضو کمیسیون صادرات اتاق ایران با بیان اینکه مشکل اصلی بخش کشاورزی را نباید صرفاً در کمبود ارز جست‌وجو کرد، افزود: این بخش طی سال‌های گذشته با سیاست‌گذاری‌هایی مواجه بوده که با شرایط واقعی تولید و صادرات محصولات کشاورزی تناسب کافی نداشته است.

حنایی جهرمی با انتقاد از اجرای مقررات یکسان برای بخش‌های مختلف اقتصادی تصریح کرد: قانون‌گذار عملاً نسخه‌ای واحد برای فعالیت‌هایی در نظر گرفته است که از نظر ساختار تولید، شیوه تجارت و شرایط بازگشت ارز تفاوت‌های اساسی دارند.

صادرکننده برای ادامه فعالیت با گسترش بازار اثر بگذارند. اگر اجرای این مقررات با پیچیدگی یا ابهام همراه باشد، برنامه‌ریزی برای قراردادهای بلندمدت دشوارتر می‌شود و بخشی از توان بنگاه صرف مدیریت عدم‌قطعیت‌ها خواهد شد.

بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری نیز هزینه‌های تجارت را افزایش می‌دهد. صادرکننده برای برنامه‌ریزی به اطلاعات روشن درباره ضوابط، هزینه‌ها و شرایط پیش‌رو نیاز دارد. تغییرات پیش‌بینی‌ناپذیر می‌تواند محاسبات اقتصادی را برهم بزند و انگیزه سرمایه‌گذاری در بسته‌بندی، سردخانه، شبکه توزیع و توسعه بازار را کاهش دهد. این موضوع در بلندمدت ممکن است مانعی برای افزایش کیفیت و ارزش‌افزوده محصولات کشاورزی باشد.

بازنگری در سیاست‌ها به معنای حذف ضوابط یا نادیده گرفتن الزامات قانونی نیست؛ بلکه هدف، تدوین مقرراتی روشن، متناسب با شرایط هر بخش و قابل اجراست. بررسی راهکارهای متناسب با ویژگی‌های صادرات کشاورزی، از جمله شیوه‌های تسویه تجاری و الزامات بازگشت ارز، می‌تواند بخشی از این فرایند باشد. البته هر پیشنهاد باید از نظر آثار اقتصادی، پیامدهای اجرایی و الزامات قانونی به‌دقت بررسی شود تا راهکار انتخاب‌شده، خود به منشأ مشکل تازه‌ای تبدیل نشود.

در نهایت، ارزیابی موفقیت صادرات کشاورزی نباید فقط بر میزان ارزی متمرکز باشد. حفظ اشتغال، تداوم فعالیت تولیدکنندگان، گسترش بازارهای هدف و افزایش قابلیت رقابت صادرکنندگان نیز باید در نظر گرفته شود.

ظرفیت تولید کشور زمانی به نتیجه اقتصادی پایدار می‌رسد که میان‌مزیت‌های کشاورزی، زیرساخت‌های تجاری و مقررات اجرایی هماهنگی برقرار باشد. فراهم شدن امکان برنامه‌ریزی، کاهش اختلال در مسیر صادرات و ایجاد ثبات در تصمیم‌گیری می‌تواند به حفظ مشتریان خارجی و استفاده مؤثرتر از توان تولیدی کشور کمک کند. در چنین شرایطی، صادرات از فعالیتی پربریسک و مقطعی فاصله می‌گیرد و به مسیری قابل اتکا برای توسعه تولید و اشتغال تبدیل می‌شود.



صادرکنندگان در بازارهای هدف نیز سنجیده شود.

این عضو کمیسیون صادرات اتاق ایران معتقد است بی‌توجهی به تفاوت‌های بخش کشاورزی، صادرکنندگان باسابقه و

شناسنامه‌دار را نیز در معرض محدودیت قرار داده است؛ در حالی که حفظ ظرفیت‌های موجود و امکان تداوم فعالیت بنگاه‌های فعال، بخشی از الزامات توسعه صادرات به شمار می‌رود.

وی در تشریح پیشنهاد خود به دولت گفت: یکی از راهکارهای قابل بررسی، فراهم کردن امکان صادرات ریالی متناسب با شرایط خاص امروز است. به گفته او، این پیشنهاد باید در چارچوب اصلاح سیاست‌های صادراتی و با توجه به واقعیت‌های تجارت کشاورزی مورد توجه قرار گیرد.

اظهارات این فعال اقتصادی نشان می‌دهد که مسئله صادرات کشاورزی، فراتر از یک مقررات ارزی یا یک مسیر حمل‌ونقل است. حفظ بازارهای هدف به مجموعه‌ای از شرایط هماهنگ نیاز دارد؛ از ثبات در تصمیم‌گیری گرفته تا تناسب مقررات با ویژگی‌های تولید و امکان تحویل منظم کالا. بدون توجه به این الزامات، حتی برخورداری از محصول و مشتری خارجی نیز لزوماً به معنای تداوم موفقیت در صادرات نخواهد بود.

سخن پایانی

تبدیل شوند که با ارزیابی دقیق آثار اقتصادی و چارچوبی شفاف همراه باشند. از سوی دیگر، اشتغال‌زایی و حفظ بازارهای صادراتی باید در کنار ارزیابی موردتوجه قرار گیرند. ظرفیت کشاورزی ایران زمانی به نتیجه پایدار می‌رسد که صادرکننده بتواند برای ادامه فعالیت خود برنامه داشته باشد، به تعهداتش عمل کند و مشتری خارجی را برای همکاری بلندمدت حفظ کند. هدف اصلاح سیاست‌ها، فراهم کردن همین امکان است: تبدیل مزیت تولید به تجارت پایدار.

مسئله صادرات کشاورزی را نمی‌توان تنها با تغییر یک بخشنامه یا ارائه یک راهکار مقطعی حل کرد. این حوزه به سیاست‌هایی نیاز دارد که واقعیت‌های تولید، محدودیت زمانی محصولات، الزامات حمل‌ونقل و تعهدات صادرکنندگان در برابر خریداران خارجی را هم‌زمان در نظر بگیرند. در چنین شرایطی، ثبات مقررات و امکان پیش‌بینی مسیر تجارت، به اندازه کیفیت محصول اهمیت پیدا می‌کند. پیشنهادهایی مانند بررسی امکان صادرات ریالی نیز زمانی می‌تواند به راحل مؤثر